

نفت، برنامه ششم توسعه و اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران

علی علیزاده؛ امیر فروغی؛ ریحانه حاج میر صادقی؛ سهیلا مجلسی ارده جانی

چکیده

در خصوص موضوع اقتصاد مقاومتی تعابیر متنوع و متفاوتی در ادبیات اقتصادی رایج شده است. این مقاله به ادبیات فنریت اقتصادی پرداخته و الگوی مربوط را " فنریت اقتصادی " مورد بحث نظری قرار داده است. در ادامه محورهای چهارگانه فنریت اقتصادی بیان شده است. در بخش بعدی مقاله هدف سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی تشریح شده و در نهایت توصیه های سیاستی مبنی بر اقتصاد مقاومتی جمهوری ایران پیشنهاد شده است. در پایان راهبردهای اصلاح ترکیب منابع درآمدی دولت که نقش مهمی در کاهش تکانه های مالی در اقتصاد ایران دارد را تشریح و مصادیق آنها معرفی شده است.

واژگان کلیدی

اقتصاد مقاومتی؛ فنریت اقتصادی؛ آسیب پذیری، الگوی اقتصاد مقاومتی

مقدمه

متغیرهای اصلی تاثیرگذار بر اقتصاد کشور دستخوش تغییرات عمده ای شده و نقش مهمی در نوسانات اخیر اقتصاد کشور داشته اند. از جمله مهمترین متغیرها می توان به تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، نرخ بیکاری، نرخ ارز، رابطه درآمد دولت با درآمد نفتی و نیز رابطه ارز نفتی با واردات خارجی کشور اشاره کرد. جهت کنترل نوسانات اقتصادی و رسیدن به وضعیت ثبات و پایداری، یکی از بهترین راهکارها در حال حاضر می تواند بهره گیری از راه حل های اقتصاد مقاومتی باشد. مطابق پیشبینی کارشناسان اقتصادی جهان، روند نزولی کنونی قیمت های نفت تا سال آینده به صورت پیوسته ادامه خواهد یافت. کاهش شدید

قیمت نفت که از تابستان 2014 آغاز شده، نشان دهنده تغییرات ساختاری مهم بازار جهانی نفت است. نوسانات زیادی نیز در اقتصاد ایران به ویژه در سالهای اخیر دیده می شود.

در کشور ما مسئله عدم وجود الگوی مشخص برای مدیریت اقتصاد، به ویژه در برخورد با شرایط چالش و بحران، به سادگی قابل درک است. در وضعیت حاضر که با چالش مهم تحریم همه جانبه غرب مواجه هستیم، با وجود همه تلاش های غیرقابل انکار انجام شده برای مواجهه با اقدامات دشمنان، فقدان الگویی راهبردی برای مدیریت اقتصادی احساس می شود تا بسیاری از مسائل را از چالش خارج کند یا چالشها فرصت اثرگذاری منفی بر اهداف را پیدا نکنند. آنچه به روشنی در واقعیت اقتصاد ایران دیده می شود آن است که سیاست های اقتصادی پولی، مالی، ارزی، بانکی، اشتغال و تولید بدون ارتباط منسجم و تعریف شده و بعضاً به صورتی کاملاً اقتضایی و موردی، آن هم پس از گسترش دامنه چالش ها، به کار بسته می شوند و از آنجا که ارتباط سیستمی مشخصی میان آنها برقرار نیست، در بسیاری موارد یکدیگر را خنثی می کنند و در مجموع کارایی لازم را ندارند.

از ویژگی های اساسی مدیریت اقتصادی موفق، داشتن الگوست. در ایران ما مسئله فقدان الگوی مشخص برای مدیریت اقتصاد، به ویژه در برخورد با شرایط چالش و بحران، به سادگی قابل درک است. در وضعیت حاضر که با چالش مهم تحریم همه جانبه غرب مواجه هستیم، با وجود همه تلاش های غیر قابل انکار انجام شده برای مواجهه با اقدامات دشمنان، عدم وجود الگویی راهبردی برای مدیریت اقتصادی احساس می شود تا بسیاری از مسائل را از چالش خارج کند یا چالشها فرصت اثرگذاری منفی بر اهداف را پیدا نکنند. آنچه به روشنی در واقعیت اقتصاد ایران دیده میشود آن است که سیاست های اقتصادی پولی، مالی، ارزی، بانکی، اشتغال و تولید بدون ارتباط منسجم و تعریف شده و بعضاً به صورتی کاملاً اقتضایی و موردی، آن هم پس از گسترش دامنه چالش ها، به کار بسته می شوند و از آنجا که ارتباط سیستمی

مشخصی میان آنها برقرار نیست، در بسیاری موارد یکدیگر را خنثی می کنند و در مجموع کارایی لازم را ندارند. نتیجه اجرای این سیاست های انفعالی از قبل معلوم و کاملاً متفاوت با شرایط مورد انتظاری است که با به کارگیری الگوی مشخص در مدیریت کلان اقتصادی، فعالیت واحدهای اقتصادی در سطح خرد و میانی هماهنگ میشود و متغیرهای کلان اقتصادی در راستای مقاصد مربوط تنظیم و همه پتانسیلها برای اهداف نهایی پیشرفت و عدالت به کار گرفته می شوند. بررسی زیادی لازم نیست که متوجه شویم.

مدیریت اقتصادی باید سنجیده عمل کند و به ویژه چالش تحریم را به عنوان واقعیتی جدی که در تمام سال های پس از انقلاب وجود داشته است در برنامه ریزی اقتصادی وارد سازد. خوشبختانه زمینه تدوین و پیاده سازی الگوی اقتصاد مقاومتی برای کشوری مانند ایران با داشتن منابع فراوان، جمعیت زیاد، بازار بزرگ درون کشور و ارتباطات منطقه ای نسبتاً خوب فراهم است. پتانسیل ها استفاده نشده فراوان فعلی همه حاکی از آن است که استفاده کامل و کارآمد از منابع موجود و به کارگیری آنها در ظرفیت اشتغال کامل می تواند بسیاری از مشکلات و آسیب ها را چاره کند. تحولات جهانی نیز اقتضا می کند که جمهوری اسلامی ایران به عنوان الهام بخش جهان اسلام الگویی موفق و مستقل از مدیریت اقتصادی را به نمایش بگذارد و وضعیت مطلوب اقتصادی را در اندازه شئون و عزت نفس مردم خود ایجاد کند. در شرایط وجود چالش ها، چنانچه الگوی اقتصاد مقاومتی مبتنی بر فعال سازی ظرفیت های داخلی شکل گیرد، بهترین سکوی پرتاب برای شرایط پس از چالش خواهد بود؛ به گونه ای که با رفع این چالش ها، ظرفیت اقتصاد به صورتی کامل تر آزاد و موجب شتاب پیشرفت خواهد شد.

اقتصاد مقاومتی در ادبیات اقتصادی: فنریت اقتصادی

بریگاگلیو (۲۰۰۶) از اصطلاحی به نام " فنریت اقتصادی " برای اشاره به توان سیاست ساخته یک اقتصاد برای بهبود آثار شوک های برونزای مخالف استفاده کرده است. این اصطلاح با تعریفی که از آن شده،

نزدیکترین مفهوم به "اقتصاد مقاومتی" در ادبیات رایج کشور ماست. اصطلاح فنریت اقتصادی به دو مفهوم به کار می رود ۱۰: توانایی اقتصاد برای بهبود سریع از شوک های اقتصادی تخریب کننده خارجی، ۲: توانایی اقتصاد برای ایستادگی در برابر آثار این شوک ها. اگر برای مثال؛ کسری های مالی مزمن وجود داشته باشد، توان اقتصاد برای بهبود یافتن از آثار شوکهای مخالف به شدت محدود خواهد شد از طرفی دیگر، این توان ارتقا خواهد یافت اگر ابزارهای سیاستی بتواند برای حثی سازی آثار منفی شوکها مورد استفاده قرار گیرد؛ مانند موقعیتی که کشور از وضعیت مالی قوی برخوردار است و می تواند مخارج احتیاطی یا تخفیف های مالیاتی را برای برخورد با آثار منفی شوک ها است مورد استفاده قرار دهد. این نوع فنریت اقتصادی نوعی تقابل با شوک است. توانایی ایستادن در برابر شوکها هنگامی متصور است که شوکها خنثی یا ناچیز باشند. همچنین این نوع فنریت هنگامی ممکن است که اقتصاد از مکانیسم هایی برخوردار باشد که آثار شوکها را کاهش دهد که با عنوان جذب شوک از آن نام برده می شود. برای مثال وجود بازاری انعطاف پذیر می تواند به عنوان ابزاری برای جذب شوکها عمل کند (بریگاگلیو ۲۰۱۱).

۱) راهبردهای فنریت اقتصادی

مدیریت بهبود و اقدامات تسیکنی دو راهبرد فنریت اقتصادی محسوب می شوند. هر دو راهبرد ممکن است فنریت اقتصادی ذاتی را ارتقا دهند. تاکنون هیچ یک از آن دو بر دیگری ترجیح داده نشده است. اقدامات تسیکنی نوعاً برای کاهش احتمال شکست و نیز کاهش آسیب پذیری از طریق ارتقای مقاومت اقتصادی عمل می کند. مدیریت بهبود معمولاً در جهت فراهم سازی کمکهای جانبی به بنگاه ها و خانوارهایی که از شرایط پیش آمده متأثر شده اند و نیز کاهش زمان بهبود عمل می کند. بخش اول مدیریت بهبود با فنریت اقتصادی سازگاری ندارد، زیرا فنریت اقتصادی بر خوداتکایی گروه های اجتماعی در مفهوم گسترده تری از توانایی پایداری تأکید دارد. با وجود این، رهیافت کاهش زمان بهبود نقشی

کلیدی در توسعه مفهوم فنریت اقتصادی برای دربرگرفتن عناصر پویاتر دارد (رز ۲۰۰۴). فنریت اقتصادی در سه سطح قابلیت پیاده سازی دارد :

۱. سطح خرد شامل بنگاه ها، خانوارها و سازما نهایی منفرد؛
۲. سطح میانی شامل بخش های اقتصادی، بازارهای منفرد یا گروه های تعاونی؛
۳. سطح کلان شامل تر کیب واحدها و بازارهای منفرد با توجه به اینکه چنین ترکیبی به دلیل وجود کنش های متقابل در اقتصاد به مفهوم جمع ساده واحدها و بازارها نیست.

ل) محورهایی چهارگانه فنریت اقتصادی

بریگاگیو چارچوبی را برای سنجش فنریت اقتصادی پیشنهاد کرده که شامل چهارعامل اساسی است:

۱: ثبات اقتصاد کلان

ثبات کلان اقتصادی بدان علت به فنریت اقتصادی مربوط است که هنگام وارد شدن شوک اقتصادی منفی به اقتصاد اگر اقتصاد کلان از نظر ثبات در وضعیت ضعیفی باشد، جای زیادی برای مانور وجود ندارد؛ بنابراین، سیاست های پولی و مالی در بسیج منابع کارآمد نخواهند بود تا اقتصاد را از آثار چنین شوک هایی حفظ کنند. به عبارت دیگر، سیاست های مناسب کلان اقتصادی برای سیاست های پولی و مالی این فرصت را فراهم می آورند که به شوکها پاسخ دهند. بریگاگیو سه متغیر را برای سنجش فنریت اقتصادی از جهت ثبات اقتصاد کلان پیشنهاد می دهد. این سه شاخص نسبت کسری مالی به تولید ناخالص داخلی، مجموع نرخهای تورم و بیکاری و نسبت کسری خارجی به تولید ناخالص داخلی است.

۲: کارایی بازارهای خرد

کارایی بازار خرد برای هر اقتصادی در برخورد با آثار منفی شوکها از طریق قادر کردن اقتصاد به بازتخصیص منابع به استفاده های جایگزین از اهمیت اساسی برخوردار است. بریگاگیو به عنوان کی

جانشین برای کارایی بازاری قسمتی از شاخص جهانی آزادی است، قرار می دهد. این شاخص میزانی « تنظیم اعتبار، کار و بازرگانی » اقتصادی را که را می سنجد که بازارها آزادانه، رقابتی و با کارایی میان کشورها عمل می کنند. این شاخص برای این منظور معرفی شده است تا تأثیر محدودیتهای تنظیمی و رویه های بوروکراتیک روی رقابت و عملیات بازار را اندازه گیری کند. این شاخص بر کارایی بازار مالی و بازار کار و نیز درجه کنترل بوروکراتیک بر کنترل تجاری متمرکز شده است.

۳: مدیریت (حکمرانی) خوب

حکمرانی خوب از جمله زمینه های بسیار مهم برای شکل گیری سیاست های مناسب و لذا از عناصر لاینفک فنریت اقتصادی است. این عامل مسائل زیادی را تحت پوشش قرار می دهد که شامل قانونگذاری، حقوق مالکیت، امنیت داخلی و بین المللی و مشارکت مناسب در چارجوب تجارت بین الملل می شود. در غیاب حکمرانی خوب شوکهای مخالف به راحتی می توانند اوضاع اقتصادی و اجتماعی را مختل کنند؛ از این رو، آثار آسیب پذیری اقتصادی تشدید خواهد شد. بریگاگیو بخشی از شاخص آزادی اقتصادی را که بر ساختار مشروع و امنیت حقوق مالکیت تمرکز دارد به عنوان شاخص حکمرانی خوب انتخاب کرده است. این شاخص بر استقلال قضایی، بی طرفی دادگاه ها، حمایت از حقوق مالکیت معنوی، عدم دخالت نظامیان و جامعیت سیستم سیاسی و قانونی دلالت دارد.

۴: توسعه اجتماعی

توسعه اجتماعی مؤلفه مهم دیگر فنریت اقتصادی است. این عامل به وضعیتی اشاره دارد که در آن یک جامعه به طور کامل توسعه یافته باشد، به طوری که دستگاه های اقتصادی قادر باشند بدون تأخیر

ناشی از ناآرامی های مدنی، عملکرد مؤثری از خود نشان دهند. توسعه اجتماعی را همچنین می توان به انسجام اجتماعی مرتبط کرد.

محواره های اقتصادی در چنین شرایطی می توانند رخ دهند که خود رهیافت های جمعی را قادر می سازند از سنجه های درستی در مواجهه با شوکهای مخالف استفاده کنند. بریگاگیو برای توسعه اجتماعی از شاخص های آموزش و بهداشت مندرج در شاخص توسعه انسانی (HDI) استفاده کرده است. مدیریت بهبود و اقدامات تسکینی دو راهبرد فنریت اقتصادی محسوب می شود که هر دو راهبرد می توانند فنریت اقتصادی ذاتی را ارتقا دهند و هر یک در سه سطح خرد، میانی و کلان قابلیت پیاده سازی دارند. نگاه دیگر این رهیافت آن است که ریسک تخریب شدن اقتصاد بر اثر شوکهای مخرب خارجی از دو عامل میزان آسیب پذیری ذاتی اقتصاد کشور و توان روبه رو شدن اقتصاد با شوکهای خارجی یا فنریت اقتصادی است.

برکیاگیو چارچوبی برای سنجش فنریت اقتصادی پیشنهاد می دهد که شامل چهار عامل اساسی ثبات اقتصاد کلان، کارایی بازارهای خرد، حکمرانی خوب و توسعه اجتماعی است. در جمهوری اسلامی ایران ایده اقتصاد مقاومتی ابتدا از جانب رهبر معظم انقلاب مطرح شد. از نظر ایشان، دشمن در موضوع تهدید اقتصادی به دنبال جدا کردن مردم از نظام اسلامی است از نظر ایشان، اقتصاد مقاومتی موجب می شود در شرایط فشار روند رو به رشد اقتصادی و شکوفایی در کشور محفوظ بماند و آسیب پذیری آن کاهش پیدا کند. شکل گیری اقتصاد مقاومتی نتایج مهمی خواهد داشت که در بیانات مقام معظم رهبری به آنها تصریح شده است. همچنین اقتصاد مقاومتی شرایط و الزاماتی دارد که استفاده از همه ظرفیت های دولتی و مردمی، تحول در شرایط اقتصاد از طریق اجرای سیاست های اصل ۴۴، توانمند سازی بخش خصوصی و کاهش وابستگی به نفت از جمله آنهاست. بر اساس مؤلفه هایی که از بیانات مقام معظم رهبری استخراج شد،

می توان الگوی اقتصاد مقاومتی ایران را با چهار مؤلفه اساسی شامل رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی، ثبات اقتصادی و فنریت اقتصادی پیشنهاد کرد.

۱) بحث و نتیجه گیری

هدف سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، ایجاد بستر مناسب برای حرکت اقتصاد ایران در مسیر رشد پایدار است. برنامه ریزی بر مبنای اقتصاد مقاومتی، ایجاب می کند با هرگونه عوامل برهم زننده رشد پایدار برخورد شود و راهبردهای برنامه به گونه ای انتخاب شود که خطرپذیریها و نا اطمینانیهای تحقق اهداف آن به حداقل برسد. بررسی عملکرد اقتصاد ایران نشان می دهد که علاوه بر پایین بودن معدل عملکرد متغیرهای کلیدی، اقتصاد ایران از نوسانات بالایی نیز برخوردار است. ریشه عملکرد پایین و نوسانی بودن آن به دو عامل اصلی یعنی سیاست های اقتصادی نامناسب و تکانه های ناشی از تحریم های خارجی گردد. وجه مشترک این دو عامل، ریشه در چگونگی استفاده از منابع نفتی دارد. وابستگی درآمد دولت و درآمد ارزی کشور به درآمد نفت مشکل اصلی کشور می باشد و تا موقعی که راه حلی برای آن پیدا نشود، ناپایداری در اقتصاد ایران تداوم خواهد یافت. برای حل این مشکلات بایستی در برنامه ششم، بهتر فکر کرد و عوامل اختلال را از اقتصاد ایران دور کرد. باید راهبردهای بهتر و مطمئن تر را انتخاب کرد تا بهتر نتیجه گرفت. اگر به تحولات پس از تشدید تحریم ها در سالهای اخیر نگاه کنیم، می بینیم که با کاهش حدود یک میلیون صادرات نفت ایران، وضعیت تعادل درآمدی دولت به هم می خورد. از طرفی با کاهش درآمدهای نفتی، ارز مورد نیاز اقتصاد ایران نیز تامین نمی شود و لذا قیمت ارز در ایران به سه برابر افزایش می یابد. با افزایش قیمت ارز، تنگناهای مالی بنگاهها افزایش می یابد ولی مشکلات تامین مالی خود دولت به مراتب از مشکلات بخش خصوصی بیشتر است. همان طوریکه دیده می شود همه این مشکلات به چگونگی استفاده از نفت بر میگردد. برای حل مشکل اقتصاد ایران، بایستی کاملاً حساب شده عمل کرد، حتی اگر مسیر

حرکت سخت و ناهموار باشد. اگر اقتصاد ایران بتواند همانند اندونزی، نفت تولیدی خود را در صنعت داخلی جذب نماید، در این صورت می تواند بخش مهمی از مشکلات کنونی خود را مرتفع نماید.

پس از بررسیها و مطالعات انجام شده در اقتصاد ایران در سالهای اخیر و نیز چشمانداز جهانی نفت، نتایج مطالعه نشان می دهد جهت گیری برنامه ششم باید زمینه سازی برای جذب صنعت نفت در اقتصاد ایران باشد و خام فروشی نفت به فراموشی سپرده شود و بجای خام فروشی، با بکارگیری نفت در حمل و نقل، صنعت بویژه پتروشیمی، مصارف خانگی و تجاری و تولید برق بهره برد و از طریق صادرات خودرو، پتروشیمی یا برق درآمدزایی کرد و بدین ترتیب ارزش افزوده ایجاد کرد. باید اصلاحات مرحله ای را در ابتدا از کاهش وابستگی بودجه جاری دولت به نفت آغاز کرد و سپس مرحله به مرحله جذب نفت را در صنعت داخلی افزایش داد. همچنین ساختار درآمدی دولت را هم از حیث افزایش مقدار و هم کاهش نوسانات، ارتقاء داد و بنگاه های اقتصادی را به سمت ارتقای تولید هدایت کرد. اگر به تحولات پس از تشدید تحریمها در سالهای اخیر نگاه کنیم، میبینیم که با کاهش حدود یک میلیون صادرات نفت ایران، وضعیت تعادل درآمدی دولت به هم میخورد. از طرفی با کاهش درآمدهای نفتی، ارز موردنیاز اقتصاد ایران نیز تامین نمی شود و لذا قیمت ارز در ایران به سه برابر افزایش می یابد. با افزایش قیمت ارز، تنگناهای مالی بنگاه ها افزایش می یابد ولی مشکلات تامین مالی خود دولت به مراتب از مشکلات بخش خصوصی بیشتر است. ساختار درآمدی دولت را بایستی هم از حیث افزایش مقدار و هم کاهش نوسانات، ارتقاء داد و بنگاههای اقتصادی را به سمت ارتقای تولید هدایت کرد.

توصیه های سیاستی)

جهت گیری برنامه ششم باید زمینه سازی برای جذب صنعتی نفت در اقتصاد ایران باشد و تا رسیدن به هدف مطلوب باید اصلاحات مرحله ای را در ابتدا از کاهش وابستگی بودجه جاری دولت به نفت آغاز کرد و سپس مرحله به مرحله جذب کارآمد نفت را در اقتصاد ایران افزایش داد. با توجه به چشم انداز توسعه حمل و نقل خودروی شخصی، سرمایه گذاری برای تبدیل نفت و گاز به فرآورده های مورد مصرف خودروهای شخصی از جاذبه اقتصادی بالایی برخوردار است. سیاستگذاری در استفاده بیشتر از نفت و گاز برای سرمایه گذاریهای صنعتی بویژه صنایع پتروشیمی موضوع دیگری است که می تواند در جهت جذب نفت و گاز کشور در اقتصاد ایران مورد توجه قرار گیرد. در مجموع استفاده از نفت و گاز برای نیازهای صنعتی هم می تواند در جهت افزایش صادرات غیرنفتی و هم در جهت جایگزینی واردات مورد استفاده قرار گیرد و اقتصاد ایران را با ارزش افزوده بیشتری مواجه کند. این روش در مقایسه با روش کنونی صادرات نفت خام که همراه با نوسانات شکننده است، به مراتب مطلوبتر خواهد بود. اصلاح ترکیب منابع درآمدی دولت نقش مهمی در کاهش تکانه های مالی در اقتصاد ایران دارد. ظرفیت افزایش درآمد مالیاتی دولت از طریق مالیات بر مصرف، قابل توجه است. افزایش درآمد مالیات بر مصرف لزوماً از طریق افزایش نرخ مالیات، حاصل نمی شود، بلکه پوشش بیشتر این نوع مالیاتها به ویژه در بخش خدمات، می تواند درآمدزایی قابل توجهی داشته باشد. مالیات بر مصرف می تواند به گونه ای طراحی شود که متوجه خانوارهای پردرآمد باشد.

۱: سیف، اله مراد (۱۳۹۱). الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق امنیت/ سال پنجم / شماره شانزدهم

۲: دانش جعفری، داود و کریمی، سمانه. نفت، برنامه ششم توسعه و اقتصاد مقاومتی. فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان/سال دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۴

- 1- Briguglio, Lino, and Stephen Piccinino, "Growth and Resilience in East Asia and The Impact of the 2009 Global Recession", Available at: [http://www.um.edu.mt/__data/assets/pdf_file/0011/141959/Growth_with_Resilience_in_Asia_5 Dec2011. Pdf](http://www.um.edu.mt/__data/assets/pdf_file/0011/141959/Growth_with_Resilience_in_Asia_5_Dec2011.Pdf)
- 2- Rose, Adam, (2004) "Defining and Measuring Economic Resilience to Disasters", *Disasters Prevention and Management*, Vol. 13, No. 4